



وضعیت سلامتی سفیر ایران در لبنان

پس از آنکه عصر سه‌شنبه تأیید شد مجتبی امانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان بر اثر انفجار پیجر در حمله گسترده سایبری اسرائیل آسیب دیده‌است، برخی از رسانه‌ها از وخامت حال این دیپلمات ایران و از دست دادن بینایی او خبر دادند. با این حال سفارت ایران در بیروت با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی توییتر این خبر را تکذیب کرد و نوشت: «سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان به اطلاع هموطنان عزیز و اصحاب رسانه می‌رساند که روند درمان آقای امانی، سفیر محترم، به‌خوبی پیش می‌رود و شایعات منتشرشده در مورد وضعیت جسمی و شرایط بینایی آقای امانی، عاری از صحت است.» همچنین همسر مجتبی امانی، سفیر ایران در بیروت تأکید کرد که جراحات این دیپلمات ایرانی سطحی است. وی در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرد: «آقای امانی دبروز به دلیل انفجار این پیجر دچار جراحات سطحی شدند.» همسر سفیر ایران در لبنان گفت: «الحمدلله وضعیت ایشان پایدار است و مشکل حادی وجود ندارد. شرایط تحت کنترل است و پزشکان تأیید کرده‌اند که وضعیت ایشان خوب است.» وی تأکید کرد: «از مردم لبنان نیز بسیار تشکر می‌کنم که کمک‌های بسیاری ارائه دادند.»



از دیپلماسی بسیار دور هستیم

سخنگوی کاخ سفید تصریح کرد: «ما دیپلماسی را بهترین راه برای دستیابی به یک راه حل مؤثر و بلندمدت در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران می‌دانیم.» به گزارش ایسنا، کارین ژان پی‌یر، سخنگوی کاخ سفید، در یک نشست خبری در پاسخ به سؤالی درباره اظهارات اخیر مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه تهران مایل به مذاکره درباره برنامه هسته‌ای کشور است و پیش شرط‌هایی نیز برای آن تعیین کرد، گفت: «ما همواره گفته‌ایم که دیپلماسی بهترین راه برای دستیابی به یک راه حل مؤثر و دائمی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران است.» مقام کاخ سفید در ادامه گفت: «این چیزی است که ما در سه سال و نیم گذشته در مورد آن کاملاً ثابت بوده‌ایم و ما معتقدیم که داشتن این مکالمات دیپلماتیک وقتی در مورد روابط خود در سراسر جهان صحبت می‌کنیم، بسیار مهم است. با این حال، ما در حال حاضر از چنین چیزی بسیار دور هستیم.»



رژیم اسرائیل باید پاسخگو باشد

امیرسعید ایروانی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد سه‌شنبه شب ۲۷ شهریورماه در دهمین نشست ویژه اضطراری مجمع عمومی گفت: «در میان جنایات ادامه‌دار علیه غیرنظامیان در غزه، رژیم اسرائیل به تجاوزات و اقدامات تروریستی خود علیه غیرنظامیان در لبنان نیز ادامه می‌دهد. تنها چند ساعت پیش، در اقدامی تروریستی سایبری، این رژیم دستگاه‌های ارتباطی در بیروت را منفجر کرد که منجر به کشته و زخمی شدن هزاران نفر از جمله سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت شد.» وی افزود: «جمهوری اسلامی ایران ضمن عرض تسلیت‌های صمیمانه خود به خانواده بازماندگان و دولت لبنان، به‌شدت این اقدام خرابکارانه و تروریستی توسط رژیم باغی اسرائیل را محکوم می‌کند. رژیم اسرائیل باید برای این تجاوز و جنایت فجیع پاسخگو باشد.»

شد. اما بعد از سقوط پهلوی و پیروزی انقلاب ایران، حکومت نوپای ایران سیاستش را بر ضد آمریکا تعریف کرد. ایران بعد از انقلاب معتقد بود که سیاست آمریکا در منطقه امپریالیستی است و باید با آن مبارزه کرد. حمله عراق به ایران که اوایل انقلاب انجام شد و هشت سال طول کشید و میلیون‌ها کشته و زخمی به بار آورد، باعث شد که جهت‌گیری ژئوپلیتیکی ایران باز هم به سمت مرزهای غربی و جنوبی تنظیم شود و ایران بار دیگر از قفقاز غافل شود. پس از آن، حمله عراق به کویت و جنگ خلیج فارس اتفاق افتاد و اواخر همان سال نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث شد روابط ایران و روسیه وارد دوره جدیدی شده و نزدیک‌تر شود. این رابطه بعد از حملات بازده سپتامبر عمیق‌تر شد و ایران با هدف تحمل فشارهای آمریکا به حمایت روسیه نیاز پیدا کرد. هر چند که این حمایت هیچ‌وقت تمام و کمال نبود و روس‌ها بارها با استفاده از کارت ایران با آمریکا معامله کردند. پس از آن بهار عربی آغاز شد و در ماجرای جنگ داخلی سوریه، روابط ایران و روسیه به واسطه دفاع هر دو از بشار اسد، نزدیک‌تر شد. ایران عملیات زمینی در سوریه را فرماندهی می‌کرد و روسیه پشتیبانی هوایی انجام می‌داد. این نوع همکاری باعث شد که سابقه همکاری نظامی بین دو طرف ایجاد شود و زمانی که روسیه به اوکراین حمله کرد، به‌طور طبیعی از ایران انتظار داشت با روسیه همراه شود.

آینده روابط با روسیه

بدیهی است که ایران روابطش را با روسیه حفظ خواهد کرد. اما در عین حال می‌داند که قدرت ژئوپلیتیکی روسیه در وضعیت افول قرار گرفته است. احتمالاً روسیه بعد از جنگ اوکراین مجبور خواهد شد همه توجه خودش را به سمت جبهه اروپا معطوف کند. به موازات این وضعیت، ایران با اسرائیل در وضعیت شدید تنش قرار گرفته و نیاز دارد موقعیتش را در جهان عرب تثبیت کرده و به نوعی تفاهم با آمریکا دست یابد. یکی از نشانه‌های این نیاز و میل ایران، نتیجه انتخابات اخیر ریاست جمهوری است که با پیروزی مسعود پزشکیان و ظهور گتتمان مذاکره و گفت‌وگو و رسیدن به وفاق ظهور و بروز یافته است. اما به‌طور کلی ایران در ماه‌های آینده متوجه خواهد شد که بازدهی روابطش با روسیه نته‌تها ناچیز است بلکه بیش از آنکه سود معناداری برایش داشته باشد، بیشتر مایه‌ی دردسر است. واقعیت این است که روسیه تضعیف شده و درگیر تبعات حمله‌اش به اوکراین است و احتمالاً وابستگی بیشتری به کمک نظامی ایران پیدا خواهد کرد و این مسئله می‌تواند گره‌ای در روابط ایران و روسیه ایجاد کند؛ درست همانطور که مواضع دو طرف در خصوص قفقاز دچار پیچیدگی شده است. از سوی دیگر اگر روسیه به همین منوال روند ضعیف شدن را در پیش بگیرد، ایران با ترکیه‌ای مواجه خواهد شد که در خصوص اوراسیا برنامه‌های درازمدت و بلندپروازانه‌ای در سر دارد. در این میان این ایران است که مجبور خواهد شد با رویکردی جدید بالانسی در روابطش با روسیه و ترکیه برقرار کرده و از منافعهش در قفقاز محافظت کند.

در آن دوره وضعیت برای ایران چندان تفاوتی نکرده بود جز اینکه فروپاشی شوروی و پارامترهای تاریخی و قومیتی باعث شده بود که ارمنستان به متحد طبیعی ایران تبدیل شود. ارمنستان نیز توانسته بود منطقه‌ای به وسعت ۴ هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع داخل خاک آذربایجان را برای مدت سی سال تحت کنترل خود داشته باشد و این روند برای ایران مناسب بود. به موازات آن ایران یک سیاست خارجی تهاجمی را در جهان عرب اجرا می‌کرد و موفق شده بود که در مقابل نفوذ ترکیه در عراق و سوریه بایستد. این اقدامی بود که در گذشته، هیچ قدرتی در ایران نتوانسته بود از پس انجامش برآید. اما جنگ سال ۲۰۲۰ آذربایجان و ارمنستان، روندها را به کلی تغییر داد. با پیروزی آذربایجان در این جنگ، ترکیه به‌عنوان کشوری که حتی در اوج قدرت امپراطوری عثمانی نتوانسته بود قفقاز را کنترل کند، از طریق آذربایجان به مرزهای شمالی ایران رسید. در اینجا بود که ایران احساس خطر کرد. تمرکز و مشغله شدید ایران روی تسلط به شمال خاورمیانه باعث شد که ترکیه از فرصت استفاده کند و بعد از آن، وقتی روسیه از مواضع آذربایجان و ترکیه در قبال زنگرور حمایت کرد، ایران خیلی بیشتر احساس خطر کرد.

تضاد منافع ایران در قفقاز فقط با روسیه نمود نمی‌یابد بلکه با ترکیه نیز دارای تضاد منافع و رقیب محسوب می‌شود. از سوی دیگر ایران به خوبی آگاه است که روسیه در بلندمدت در وضعیت افول قرار خواهد گرفت و به‌طور طبیعی این ترکیه است که بهترین موقعیت را برای پر کردن خلأ روسیه در قفقاز به دست خواهد آورد. ترکیه نه‌فقط با آذربایجان بلکه با اکثر کشورهای آسیای مرکزی در قسمت شرقی دریای خزر روابط قومیتی نزدیکی دارد. به لحاظ تاریخی، امپراطوری‌های ایران به‌خصوص از زمان سقوط امپراطوری تیموری، بخش‌های بزرگی از ترکمنستان فعلی را تحت کنترل خود داشتند و نفوذ ایران تا ازبکستان و تاجیکستان فعلی هم گسترش یافته بود. مرز فعلی ایران با ترکمنستان طبق عهدنامه آخال در سال ۱۸۸۱ ایجاد شد. طبق این عهدنامه امپراطوری قاجار قلمروهای خود را در آسیای مرکزی به روسیه واگذار کرد. در قرن نوزدهم، یعنی زمانی که ایران کنترل بخش‌های زیادی از قفقاز و آسیای مرکزی را به روسیه داده بود، عثمانی که رقیب تاریخی ایران بود نیز در حال واگذاری قلمروهایش در خاورمیانه به انگلیس و فرانسه بود. دسترسی ایران به شمال با تسخیر بیشتر وسعت اوراسیا به دست روسیه قطع شد بنابراین ایران چاره‌ای نداشت جز اینکه تمرکز استراتژیک خودش را به سمت غرب و جنوب ببرد. در این میان، نفت نیز در خاورمیانه کشف شد و کشورهای عربی با استفاده از درآمد نفتی قدرتی به هم زدند. بعد از آن جنگ سرد شروع شد و ایران مجبور شد بیشتر توجهش را به خاورمیانه معطوف کند. بنابراین به‌طور طبیعی توجهش از قفقاز دور شد.

در آن زمان، حکومت پهلوی برای مقابله با نفوذ شوروی در عراق، سوریه و افغانستان با اروپا و آمریکا هم‌داستان

هدف روسیه از نزدیک شدن به آذربایجان

واقعیت این است که پیروزی آذربایجان در این جنگ که با کمک ترکیه به دست آمد، توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع پاکو تغییر داد و اعتراض ارمنستان از روسیه به‌عنوان شریک امنیتی‌اش مبنی بر اینکه روسیه هیچ کمکی به ارمنستان در این جنگ نکرد، روابط ایران را با متحد سابقش مسکو به شدت تیره کرد. پوتین در سخنانش در خصوص پیشنهاد میانجیگری روسیه بین پاکو و ایران، کلمات را به دقت انتخاب کرد. این دقت پوتین نشان می‌دهد که اگر چه مسکو دیر وارد این منازعه شده است اما در عین حال تلاش می‌کند که از نفوذ خود بر آذربایجان استفاده کرده و خود را به‌عنوان ضامن صلح در منطقه معرفی کند. بدیهی است که روسیه نمی‌خواهد ترکیه و به‌خصوص غرب، این نقش را در منطقه‌ای که برای امنیت روسیه بسیار حیاتی است، به‌دست بگیرند. مسکو می‌داند که ارمنستان اکنون به سمت غرب گرایش پیدا کرده و روابط سرد پاکو با آمریکا و اروپا این فرصت را به غرب می‌دهد تا روندهای باب میل روسیه در قفقاز را مختل کنند. روسیه با توجه به شکست‌هایش در اوکراین تلاش خواهد کرد تا نفوذش را در قفقاز حفظ کند. اما واقعیت این است که اگر روسیه نتواند مشکلش را در اوکراین حل کند، در قفقاز نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

روسیه قصد دارد در معادلات قفقاز و ترسیم نظم امنیتی و اقتصادی جدید این منطقه که بعد از جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ آغاز شده، نقش‌آفرین اصلی باشد. اما روسیه نمی‌تواند این نقش‌آفرینی را محقق کند مگر اینکه بتواند بر سر میز مذاکره بین آذربایجان و ارمنستان برای رسیدن به صلح، جایگاه خوبی برای خودش ایجاد کند. از این منظر بود که روسیه از احداث کریدور زنگرور حمایت کرد تا بتواند در کنار ترکیه و آذربایجان قرار بگیرد. این حمایت روسیه به‌طور طبیعی موجبات نارضایتی ایران را در پی داشت چراکه اگر این کریدور احداث شود، دسترسی ایران از شمال، به پل زمینی به سمت اوراسیا قطع می‌شود. این مسیر زمینی، مسیری بود که ایران سال‌ها از آن استفاده می‌کرد. اوایل قرن شانزدهم میلادی، بخش زیادی از قفقاز جنوبی و بخش‌های بزرگی از قفقاز شمالی مثل داغستان و بخش‌هایی از چین تحت کنترل ایران بود. با این حال، از سال ۱۸۰۱، روسیه تزاری به تدریج تصرف این مناطق را آغاز کرد و سلسله قاجار هم در مقابل روسیه راه به جایی نبرد. سال ۱۸۱۲ میلادی براساس معاهده گلستان، ایران مجبور شد داغستان، شرق گرجستان، بیشتر آذربایجان و بخش‌هایی از شمال ارمنستان را به روسیه واگذار کند. در مرحله بعد یعنی سال ۱۸۲۸، ایران طبق معاهده ترکمانچای، بخش‌های زیادی از جنوب ارمنستان، جنوب آذربایجان و نخجوان را هم به روسیه واگذار کرد و رودخانه ارس به مرز ایران و روسیه تبدیل شد. روسیه تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، که باعث شد گرجستان، ارمنستان و آذربایجان به استقلال برسند، قفقاز جنوبی را تحت کنترل خود داشت. بعد از استقلال این کشورها هم این منطقه کاملاً تحت نفوذ روسیه بود.

